

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض شد که دو قول در مسئله مورد بحث ما وجود دارد؛ اول آنکه وقتی که ماه از تحت الشعاع خارج شد و ایام محاق سپری شد و متشکل به شکل هلال شد، این اول ماه است ولی برای نقاطی که قابل رؤیت باشد، یعنی هلال ماه برای کسانی که آن را دیده اند و هر کس دیگری که با آنها هم افق باشد ثابت می شود اما برای کسانی که با اینها هم افق نیستند اول ماه نیست و باید منتظر دیدن ماه در افق خودشان بمانند، این قولی است که به مشهور نسبت داده شده. قول دیگر آن است که وقتی ماه از تحت الشعاع خارج شد و ایام محاق سپری شد و متشکل به شکل هلال شد، این اول ماه است برای تمامی افراد، چه وحدت افق داشته باشند و چه در افق با هم اختلاف داشته باشند، منتهی افرادی که در شب با آن نقطه ای که ماه دیده شده مشترک باشند، پس اگر مثلاً در این طرف کره زمین ماه دیده بشود برای آمریکا اول ماه نیست چون شب ما روز آنهاست فلذا آنها باید منتظر رؤیت هلال خودشان باشند. دو قولی که در مسئله وجود داشت را ذکر کردیم، ما اول باید هر دو قول را در نظر داشته باشیم و بعد أدله اقوال را و بعد نظر خودمان را عرض کنیم. در اخبار اهل بیت (علیهم السلام) کلمه ای از افق و وحدت افق و... وجود ندارد فلذا مسئله، مسئله فرعی و اجتهادی است، بعضی از مسائل مطلقاً از ائمه (علیهم السلام) است و بعضی دیگر مطلقاً نیست، بنابراین مجتهدین در تفریع فروع و در اجتهاد خودشان با هم اختلاف نظر دارند فلذا اقوال مختلفی در مسئله بوجود آمده است. بحث ما امروز از سیر تاریخی مسئله شروع می شود، وقتی که ما مراجعه می کنیم به کتب فقهی خودمان مثلاً مقنعه شیخ مفید می بینیم که چنین مسئله ای در آنجا وجود ندارد بلکه در مقنعه آمده است، وقتی که ماه دیده شد اول ماه است اعم از اینکه خودش ببیند و یا شاهد شهادت بدهد و یا شیاعی حاصل شود، این کلام شیخ مفید است و همچنین شیخ صدوق در هدایه همین مطلب را بیان کرده و دیگر مسئله وحدت

افق و یا اختلاف افق را مطرح نکرده است. اول کسی که مسئله افق را مطرح کرده شیخ طوسی است، البته در نهایت شیخ طوسی این مسئله مطرح نیست، خوب همان طور که می دانیم شیخ طوسی کتابهای زیادی نوشته است، نهایت فقهی است که از اخبار گرفته شده یعنی روایات را در غالب فتوی ذکر کرده، البته هدایه و مقنعه هم به همین صورت می باشند یعنی سیر تاریخی فقه ما اول اینطوری بوده و فقهای بزرگ ما عبارات روایات را می گرفتند و فتوای خودشان را در غالب همان عبارات روایات ذکر می کردند. در ص ۱۵۰ نهایت شیخ طوسی آمده است که؛ علامه المشهور رؤیه الهلال مع زوال العوارض والموانع، متی رأیت الهلال فی استقبال شهر رمضان فصم بنیه الفرض... خوب بالاخره ایشان هم در اینجا همان مسئله رؤیت هلال و قیام شاهد بر رؤیت و همان شیاع را ذکر کرده و بعد گفته: ومتی لم یر الهلال فی البلد و لم یجیء من الخارج من یخبر برؤیته، عدت من الشهر الماضي ثلاثین یوماً: هر وقت ماه را ندیدی ماه قبل را سی روز حساب کن، وصمت بعد ذلك بنیه الفرض. فإن ثبت بعد ذلك بیته عادلہ أنه کان قد رأى الهلال قبله بیوم، قضیت یوماً بدله. أما شیخ طوسی در جلد اول مبسوط چاپ جدید ص ۲۶۸ می فرماید؛ البته قبل از اینکه کلام شیخ را بیان کنم این را عرض کنم که در اول مبسوط ایشان نوشته اند که سنی ها به ما ایراد می گرفتند و می گفتند شما که به قیاس و استحسان عمل نمی کنید در تفریع فروع دستتان بسته است و مثل ما وسعت ندارید اما ما اهل تسنن و جمهور که به قیاس و استحسان عمل می کنیم خیلی میدان بازی در تفریع فروع داریم. شیخ طوسی می فرمایند که من می خواستم به اینها نشان بدهم که ما نیازی به قیاس و استحسان نداریم چرا که آنقدر ما از اهل بیت (علیهم السلام) روایت داریم که دستمان در تفریع فروع بسیار باز است، چون مثلاً در کتاب کافی ما، ۱۶ هزار حدیث وجود دارد یعنی کافی بیش از صحاح سنه روایت دارد چرا که اگر تمام صحاح سنه را جمع کنیم تقریباً ۹ هزار خبر می شود، و یا در وسائل ۳۵ هزار حدیث و در مستدرک ۲۲ هزار حدیث داریم یعنی ما در این دو کتاب ۵۲ هزار حدیث داریم، پس ایشان در مبسوط فرموده اند که ما آنقدر از اهل بیت (علیهم السلام) روایت داریم که نیازی به قیاس

واستحسان نداریم ، فلذا شیخ طوسی به این دلیل کتاب مبسوط را نوشته اند که فروع فقهی را بسط و شرح بدهد . شیخ در ص ۲۶۸ از جلد اول مبسوط چاپ جدید اول کسی است که بحث اختلاف و اتحاد افق را مؤثر دانسته و مطرح کرده است، در آنجا آمده است که؛ ومتی لم یر الهلال فی البلد ورأی خارج البلد علی ما بیناه وجب العمل به ... الی آخر . همانطور که ما عرض کردیم عرض بلاد را از خط استوا می سنجند که خط فرضی است در وسط کره زمین که آن را به دو نیم کره شمالی و جنوبی تقسیم می کند، پس مبدأ سنجش عرض بلاد خط استوا می باشد. بلادی که در طرف شمال قرار دارند تا ۹۰ درجه عرض شمالی دارند و بلادی هم که در طرف جنوب قرار دارند تا ۹۰ درجه عرض جنوبی دارند. مطلب دیگر که گفتیم این است که بنابر قول قدما در کمر کره زمین یعنی این طرف و آن طرف خط استوا یک منطقه ای وجود دارد به نام منطقه البروج که بروج ۱۲ گانه در آنجا قرار دارند، که این منطقه البروج محل سیر خورشید به دور زمین می باشد و یا بنابر قول امروزها، زمین طوری قرار داده شده که خورشید گاهی عمودی و گاهی غیر عمودی به آن می تابد و در نتیجه این تابش فصول چهار گانه سال بوجود می آید . خورشید این بروج را در یک سال طی می کند ولی ماه در هر ماه یک مرتبه این بروج را طی می کند. وسعت منطقه البروج از طرف جنوب ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه و از طرف شمال هم ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه می باشد که روی هم می شود ۴۶ درجه و ۵۴ دقیقه. بنابر این محل حرکت خورشید و ماه همین منطقه البروج می باشد، آن بلادی که عرضش نزدیک به این منطقه باشد ممکن است هلال را ببینند اما جاهایی که تحدب خیلی بیشتر است ممکن است شب اول ماه هلال ماه را نبینند ، بنابراین دیدن ماه در شب اول ماه با عرض بلاد ارتباط دارد و گاهی هم با طول بلاد ارتباط دارد، آنهایی که عرض کمتری دارند می توانند هلال را ببینند و آنهایی که فاصله بیشتری دارند مثلاً ۴۰ درجه ۵۰ درجه از خط استوا دورند ممکن است که نبینند. فلذا شیخ طوسی در مبسوط در ادامه کلامش با توجه به مطالبی که ذکر کردیم فرموده اند: إذا کان البلدان التي رأی فیها

البلد أيضاً لاتفاق عروضها و تقاربها : برای اینکه عرضهای بلدان باهم یکی است و نزدیک به هم است، مثل بغداد و واسط و کوفه و تکریتو موصل ، که عرضهایشان به هم متقارب است، باهم وحدت افق دارند فلذا در یکی از اینها اگر ماه دیده بشود برای بقیه هم اول ماه است، واما إذا بعدت البلاد؛ اما اگر شهرها از هم دور باشند مثل بغداد وخراسان، فإن لكل بلد حکم نفسه و يجب علی أهل بلد عمل بما رأه أهل بلد الآخر. این تفصیل شیخ طوسی می باشد. همانطور که قبلاً ذکر کردیم در کتاب تحفه الأجله عرض و طول بلاد کامل و دقیق ذکر شده اما ما چند نمونه عرض می کنیم ، مثلاً تهران ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه و ۸۳ ثانیه عرض شمالی دارد و ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی دارد. قم ۳۴ درجه و ۳۹ دقیقه عرض شمالی دارد و ۵۰ درجه طول شرقی دارد. مشهد ۳۶ درجه عرض شمالی دارد و ۵۹ درجه طول شرقی دارد. استانبول ۴۱ درجه عرض شمالی دارد و ۲۸ درجه طول شمالی دارد و هكذا. خلاصه اینکه این تفاوتها خیلی تأثیر دارد و به فرسخ هم مربوط نمی شود بلکه مربوط به این است که نسبت به خط استوا چقدر فاصله دارند. صاحب جواهر در جلد ۱۶ ص ۳۶۱ بعد از ذکر عبارات فقهاء و بعض از ادله آنها می فرماید که : فالوجوب حیثیذ علی الجمیع مطلقاً؛ ایشان قائل به این هستند که اختلاف افق مؤثر نیست و اگر ماه در یکجا دیده شود برای همه جا اول ماه است مطلقاً إختلف المطالع أو لم تختلف: یعنی مطالع مختلف باشد یا نباشد در عرض و طول متفاوت باشند یا نباشند . ایشان می گویند که اگر در یکی از بلاد ماه را ببینند برای همه اول ماه است چه نسبت به محل رؤیت شرقی باشند یا غربی باشند و عرض و طولشان متفاوت باشد یا نباشد. علامه در تذکره اختلاف افق را مؤثر می داند و تکیه گاهش هم بر این است که زمین کروی است، علامه در دو کتاب مهمش یعنی تذکره ومنتهی این بحث را مطرح کرده، در جلد ۶ تذکره علامه قائل به این شده که اختلاف افق مؤثر است و وحدت افق را شرط دانسته ولی در منتهی در جلد ۹ اول که شروع به بحث کرده گفته که اختلاف افق مؤثر نیست ولی آخر بحث یک کلمه ای گفته که برمی گردد به همان اعتبار وحدت افق . از جمله کسانی که خیلی مصرّ بر عدم تأثیر اختلاف افق

می باشد مرحوم نراقی در مسند می باشد، ایشان در جلد ۱۰ مسندالشیعہ قائل به این است که اختلاف افق مؤثر نیست و اگر در یکجا ماه دیده بشود در همه جا اول ماه است. بنده تابستان سال ۴۴ در اصفهان بودم، علمای اصفهان از آیت الله خوئی سؤال کردند شما که قائلید وحدت افق معتبر نیست و می گوئید اختلاف افق اشکال ندارد و وحدت افق لازم نیست، دلیلتان چیست؟ در جواب آیت الله خوئی نوشته بودند که به مستند نراقی مراجعه کنید. محقق حلی کاملاً قول شیخ طوسی را قبول کرده، هم در شرایع که متن جواهر است و هم در معتبر و هم در مختصر، در هر سه کتابش قول شیخ طوسی را پذیرفته که اگر افق وحدت دارد اول ماه است و إلا فلا. علامه حلی نیز در قواعد و تذکره و آخر کلامش در منتهی همین حرف شیخ طوسی را پذیرفته است. صاحب عروه وحدت افق را شرط می داند و اختلاف افق را مؤثر می داند، و از محشین عروه هم عرض کردیم که آقای بروجردی و حضرت امام (رضوان الله علیه) حاشیه ندارند و قائل به قول صاحب عروه هستند. آقای خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری در مهذب الأحکام و سید حکیم در ج ۸ مستمسک قائل به وحدت افق نیستند و اختلاف افق را مؤثر نمی دانند. آقای اراکی قائل به تفصیل شده اند و گفته اند که اگر در شرق دیده بشود در غرب اول ماه است ولی اگر در غرب دیده شود برای شرق اول ماه نیست و بالاخره بنده هم عرض کردم که اختلاف افق مؤثر نیست. ملا محسن فیض هم در وافی در کتاب صیام باب ۱۴ اختلاف افق را مؤثر نمی داند و همین طور محدث بحرانی در جلد ۱۳ حدائق، اختلاف افق را مؤثر نمی داند و صاحب مدارک هم در جلد ۶ مدارک قائل به عدم تأثیر اختلاف افق شده و بحث را مبتنی کرده بر اینکه اگر ما زمین را کروی بدانیم اختلاف افق مؤثر نیست و اگر مسطح بدانیم مؤثر است که إن شاء الله بقیه را فردا عرض خواهیم کرد. ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

